

یادداشت

پایان راه برای بان ترکسیم اردوغان؟



سیداحمد کاظمی

کارشناس مسائل بین الملل

در یک شکست بزرگ برای ترکیه، سه جمهوری آسیای مرکزی شامل قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان از اعضای سازمان (باصطلاح) کشورهای ترک هستند (OTS)، حمایت خود را از حاکمیت قبرس اعلام کردند. این رویکرد، عملاً به تلاش های آنکارا برای استفاده از سازمان قومی موسوم به «سازمان کشورهای ترک» به عنوان ابزاری برای به رسمیت شناختن قبرس شمالی یا قبرس ترک نشین اشغالی پایان می دهد. در بیانیه مشترکی پس از نشست سران اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی در سمرقند در ۴ آوریل، سه کشور آسیای میانه به صراحت قطعنامه های ۵۴۱ (۱۹۸۳) و ۵۵۰ (۱۹۸۴) شورای امنیت سازمان ملل متحد را تأیید کردند. این قطعنامه ها اعلامیه یکجانبه ترکیه در سال ۱۹۸۳ مبنی بر تأسیس جمهوری ترک قبرس شمالی (TRNC) را محکوم می کند و از اعضای سازمان ملل می خواهد آن را به رسمیت نشناسند. در بیانیه مشترک دولت های آسیای مرکزی با اتحادیه اروپا آمده است: «ما بر تعهد قوی خود به قطعنامه های ۵۴۱ (۱۹۸۳) و ۵۵۰ (۱۹۸۴) شورای امنیت سازمان ملل متحد تأکید کردیم. ما تأکید کردیم که مشارکت به قواعد بین المللی احترام بگذارد که برای ارتقای روابط اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی ضروری است.» شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۵۴۱ در ۱۸ نوامبر ۱۹۸۳ به تصویب رساند. این قطعنامه از همه کشورها خواست به حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی جمهوری قبرس احترام بگذارند و هیچ دولت دیگری در این جزیره بجز دولت جمهوری قبرس را به رسمیت نشناسند. قطعنامه ۵۵۰ که در ۱۱ مه ۱۹۸۴ به تصویب رسید، فعالیت های جدایی طلبانه غیرقانونی در بخش اشغالی قبرس توسط ترکیه را محکوم کرد و از سایر کشورهای عضو خواست تا نهاد غیرقانونی شمال قبرس را به رسمیت نشناسند. علاوه بر این، چند روز بعد از این بیانیه مشترک، قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان نیز سفیرانی را به جمهوری قبرس منصوب کردند و عملاً جمهوری قبرس را به رسمیت شناختند. این تغییر راهبردی ناگهانی و غیرمنتظره توسط سه کشور آسیای میانه، پایان تلاش های دو ساله ترکیه برای به رسمیت شناساندن «جمهوری خودخوانده ترک قبرس شمالی» توسط این کشورها را نشان می دهد. ترک ها و روس ها همواره برای تسلط بر این منطقه در رقابت و تلاش بوده اند. در قرن بیستم و یکم، چین به عنوان یک بازیگر جدید در این منطقه ظاهر شد. منافع چین چندوجهی بود. یکن می خواست از منابع طبیعی عظیم این منطقه برای صنایع خود استفاده کند و از ظرفیت عظیم هیدروکربنی آسیای مرکزی برای تأمین نیازهای انرژی رو به گسترش خود بهره برداری کند. یکن همچنین می خواست از موقعیت ژئواستراتژیک این کشورها در تقاطع بین آسیا و اروپا برای طرح بلند پروازانه «بنتکار کمربند و جاده» (BRI) خود استفاده کند. آسیای میانه منطقه کلیدی برای موفقیت پروژه ۲۵۰ تریلیون دلاری «بنتکار کمربند و جاده» (BRI) چین است. ترکیه، روسیه و چین نیز بستری برای چند جانبه ای را برای افزایش نفوذ دیپلماتیک خود در آسیای مرکزی ایجاد کرده اند. روسیه در سال ۱۹۹۱ «جامعه کشورهای مستقل» (CIS) را تأسیس کرد که یک گروه بندی از ۱۲ جمهوری شوروی سابق، از جمله کشورهای آسیای میانه شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان است. چین در سال ۲۰۰۱ «سازمان همکاری شانگهای» (SCO) را با روسیه و تعدادی از کشورهای آسیای میانه شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان تأسیس کرد. این سازمان در حال حاضر ۱۰ عضو دارد. ترکیه در سال ۲۰۰۹ «سازمان» (باصطلاح) کشورهای ترک» را برای ترویج همکاری بین کشورهای ترک زبان تأسیس کرد. این سازمان شامل پنج کشور عضو است: جمهوری آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکیه و ازبکستان. وضعیت ناظر در این سازمان نیز به ترکمنستان، مجارستان و جمهوری خودخوانده ترک قبرس شمالی اعطا شده است. اتحادیه اروپا یک بازیگر نسبتاً جدید در ژئوپلیتیک آسیای مرکزی است. پس از جنگ روسیه و اوکراین و باگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، اتحادیه اروپا در تلاش است تا یک سیاست خارجی مستقل برای مقابله با نفوذ رو به افزایش روسیه و چین و انطباق با خروج استراتژیک ایالات متحده از اروپا تدوین کند. نشست سران اتحادیه اروپا و آسیای میانه در اوایل این ماه اولین گام مهم در این راستا بود. در طول این نشست، اتحادیه اروپا ۱۲ میلیارد یورو (۶.۱۳ میلیارد دلار آمریکا) برای سرمایه گذاری در زیرساخت های آسیای مرکزی متعهد شد. تصمیم قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان، اعضای OTS برای تعهد به حمایت از حاکمیت قبرس یک پیروزی دیپلماتیک قابل توجه برای اتحادیه اروپا و یک شکست بزرگ برای ترکیه و سیاست های بان ترکسیم است. این اقدام این سه کشور همچنین به عنوان یک شکست شخصی برای رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، تلقی می شود که زمان و انرژی قابل توجهی را در OTS سرمایه گذاری کرده است. اردوغان امیدوار بود از روابط زبانی و قومی ترکیه با این کشورهای آسیای مرکزی استفاده کند تا ترکیه و شخص خود را به عنوان تنها سخنگوی همه کشورهای (باصطلاح) ترک زبان در جهان معرفی کند. آنکارا همچنین تلاش می کرد از سازمان کشورهای ترک برای پشتیبان به رسمیت شناختن جمهوری خود خوانده ترک قبرس شمالی TRNC استفاده کند. با این هدف، TRNC در سال ۲۰۲۲ در OTS و ماهیت مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا با وساطت عمان با ماهیت مذاکرات برجام ایران و ۱۰۵ تفاوت دارد. در انجا مستقیماً با اعضای ۱۰۵ مذاکره می کردیم، اما در اینجا به طور غیرمستقیم با آمریکا مذاکره می شود. هدف اصلی جمهوری اسلامی ایران از این مذاکرات نیز تثبیت موقعیت ایران برای داشتن انرژی هسته ای در مصارف صلح آمیز بود و پس از این اتفاق، تحریم های ظالمانه ای که به خاطر اتهامات مربوط به برنامه هسته ای صلح آمیز ایران

دکتر بهمن آرمان در گفت وگو با «آرمان ملی»:

پزشکیان در دوران پس از توافق به خانه تکانی در دولت نیاز دارد



کشور پس از توافق احتمالی به مدیران باتجربه

برای کارهای بزرگ نیاز دارد

ایران باید در کنار مذاکرات تلاش کند FATF را به

نتیجه برساند

آرمان ملی- احسان انصاری: مهم ترین پیامدهای اقتصادی مذاکرات ایران و آمریکا چه بوده است؟ آیا شوک روانی مثبتی که مذاکرات به بازار سرمایه در ایران وارد کرده در بلندمدت نیز ادامه خواهد داشت؟ ایران در دوران پس از توافق احتمالی با چه فرصت های اقتصادی و سرمایه گذاری مواجه خواهد شد و آیا زیرساخت های لازم برای سرمایه گذاری خارجی در کشور وجود دارد؟ مذاکرات ایران و آمریکا و احتمال توافق چه چشم اندازی را پیش روی اقتصاد ایران قرار خواهد داد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر بهمن آرمان اقتصاددان گفت وگو کرده است. آرمان معتقد است: «شوکی که در روزهای اخیر به بازار سرمایه در ایران وارد شد در دهه های گذشته و پس از پایان جنگ ایران و عراق نیز به اقتصاد ایران وارد شد. با این وجود این شوک کوتاه مدت بود. ساختار اقتصاد



ایران ضعیف تر از آن است که بتواند نرخ دلار ۶۰۶ یا ۷۰۶ هزار تومانی را در بلندمدت ببذیرد. از سوی دیگر هزینه های داخلی به اندازه ای بالا رفته که اگر چه نرخ ارز نیز پایین بیاید همین میزان صادراتی که ما انجام می دهیم نیز از دست خواهیم داد. در نتیجه اگر توافقی نیز صورت بگیرد آثار آن را در بلندمدت نخواهیم دید. نکته دیگر اینکه باید مدیرانی در اقتصاد کشور به کار گرفته شوند که توانایی انجام کارهای بزرگ را داشته باشند. انسان های کوچک توانایی انجام کارهای بزرگ را ندارند. آقای پزشکشان نیز در رقابت های انتخابات ریاست جمهوری قول دادند که دولت ایشان از تکنوکرات ها و افراد غیرسیاسی شکل خواهد گرفت. این در حالی است که در عمل چنین اتفاقی رخ نداد و اغلب کسانی که در دولت حضور دارند افراد سیاسی هستند.» در ادامه محصل این گفت وگو را می خوانید.

بنده دولت نیز وجود دارد. من فکر می کنم در شرایط کنونی نیز به دولت فشار وارد شده که سنگنوی دولت چنین مسائلی را مطرح می کند. ایران کشور ثروتمندی است و از منابع خدادادی زیادی مانند مس و کروم برخوردار است. به همین دلیل باید عنوان کرد برخلاف خانم مهاجرانی که معتقد است زیرساخت ها برای سرمایه گذاری در ایران فراهم نیست من معتقدم زیرساخت ها به اندازه کافی برای شرکت های خارجی برای سرمایه گذاری در ایران فراهم است و اگر فراهم نیست باید در کوتاه مدت فراهم شود.

کشورهای اروپایی موافق نیستند که

اورانیوم غنی شده ایران آن هم به میزان

زیاد در اختیار روسیه قرار بگیرد. این

وضعیت درباره چین نیز وجود دارد. از دید

کشورهای غربی روسیه و چین شرکای

خوبی نیستند

اگر مذاکرات نیز به نتیجه مثبت برسد امکان انتقال این پول ها به ایران وجود نخواهد داشت. از سوی دیگر افزایش میزان صادرات نفت ایران نیز با دو چالش مواجه است. نخست اینکه افزایش تولید داخلی امکان پذیر نیست. قرار بود ما در برخی حوزه های تولید نفت تا سال ۱۴۰۲ افزایش تولید داشته باشیم. این در حالی است که در شرایط کنونی این امر محقق نشده است. نکته دیگر اینکه سیاست های تعرفه ای ترامپ رشد اقتصادی را در جهان کاهش داده است. به همین دلیل تقاضا برای خرید نفت کاهش پیدا کرده و امروز فروش نفت به یک مسأله تبدیل شده است. در روزهای اخیر روند نزولی قیمت نفت در بازارهای جهانی ادامه داشته است. اگر ایران نیز بخواهد به فرض محال تولید نفت خود را به چهار و نیم ملیون بشکه در روز برساند با توجه به عدم تغییر قیمت حامل های انرژی به ویژه نفت و گازوئیل در ایران شرایط آن وجود نخواهد داشت. این در حالی است که تحریم نفتی ایران ادامه دارد و تاکنون نیز آمریکایی ها صحبتی درباره احتمال لغو صادرات نفت ایران مطرح نکرده اند.

یکی از مسائل مهمی که پیرامون مذاکرات مطرح شده فرصت های سرمایه گذاری در اقتصاد ایران برای کشورهای غربی و به خصوص آمریکا بوده است. آیا پس از توافق احتمالی ایران با فرصت های بزرگ اقتصادی مواجه خواهد شد و سرمایه گذاری ها در اقتصاد ایران افزایش پیدا خواهد کرد؟

در روزهای اخیر خانم مهاجرانی سخنگوی دولت عنوان کردند که زیرساخت های لازم برای سرمایه گذاری خارجی در ایران فراهم نیست. در ابتدا ایشان باید مشخص کنند که کدام ساختارها برای سرمایه گذاری در ایران فراهم نیست و چرا در کشور جنگ زده ای مانند عراق که در سال های اخیر با خاک یکسان شده بود، شرکت های آمریکایی سرمایه گذاری می کنند، اما در ایران که چند دهه از جنگ آن می گذرد این امکان فراهم نیست. آیا ما در سال های آینده باید شاهد این باشیم که براساس آنچه وزارت نفت اعلام کرده هر سال یکی از فزاهای پارس جنوبی به دلیل عدم قرارداد با شرکت های خارجی که دارای تکنولوژی هستند تعطیل شود؟ سوال دیگر اینکه چرا فشار گاز در ایران در طول سال های اخیر کاهش پیدا کرده اما در قطر افزایش داشته است؟ چرا در سال های اخیر قطر به عنوان بزرگ ترین صادرکننده LEG شناخته می شود اما زیرساخت های آن در ایران وجود ندارد. این مسائل تناقضاتی است که نه تنها به طور کلی بلکه در

محسن پاک آئین:

نگرانی های غرب نسبت به روابط تهران و مسکو برای ماهمیت چندانی ندارد

وضع شده بود، لغو شود. محسن پاک آئین گفت: در مورد اینکه اروپایی ها از این مذاکرات و عدم حضور خود در آن راضی نیستند و اگر قرار است در این زمینه کسی سرنش شود و انتقادی صورت گیرد، باید اروپایی ها مورد سرنش قرار گیرند؛ زیرا نتوانستند نه تنها تعهدات برجامی خود را انجام دهند، بلکه موفق نشدند آمریکا را هم به برجام برگردانند. در نتیجه، فعالیت های اروپایی ها در برجام با

اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و دفاعی شامل می شود. کشورهایی که روسیه را تحریم کرده اند و به دنبال انزواي این کشور هستند، از جمله کشورهای اروپایی به طور طبیعی نباید از انعقاد این موافقت نامه راضی باشند. البته جمهوری اسلامی ایران به دیدگاه های آنجا توجهی ندارد. ما روسیه را به عنوان بزرگ ترین همسایه ایران و از اعضای دائمی شورای امنیت ملی سازمان ملل متحد به عنوان یک دوست راهبردی انتخاب کرده ایم. متقابلاً، روس ها هم به ایران همین گونه نگاه می کنند و به نظر می رسد که روابط دو کشور نهادینه شده و روزه رشد است. نشانه این امر هم پیام رهبر انقلاب به آقای پوتین بود که توسط آقای عراقچی تسلیم شد و بلافاصله پاسخ پیام نیز از سوی پوتین داده شد.

تلنگر

چند سناریو درباره مذاکرات

کاخ سفید و سیگنال های متناقض

همزمان با آغاز دور تازه ای از گفت وگوهای دیپلماتیک میان ایران و ایالات متحده در روز شنبه بر سر فعالیت های هسته ای تهران، اسرائیلی یکی از بازیگرانی است که این تحولات را با بیشترین حساسیت دنبال می کند. وال استریت ژورنال مدعی شد؛ اسرائیل همواره بر اتکای خود به دونالد ترامپ جهت اتخاذ موضعی سخت گیرانه در قبال ایران حساب کرده است. ترامپ هم در نخستین دوره ریاست جمهوری اش همین مسیر را در پیش گرفت؛ از برجام خارج شد، کمپین فشار حداکثری را علیه ایران اعمال کرد و یکی از فرماندهان ارشد این کشور (شهید قاسم سلیمانی) را ترور کرد. اما اکنون از آنجایی که ترامپ نمی خواهد وارد جنگی تازه در خاورمیانه شود، رویکردی محتاطانه تر را در پیش گرفته است. هر چند گزینه های دیگر همچنان در دستور کار باقی مانده است. او همین هفته مدعی شد: «اگر لازم باشد برخورد بسبب سختی می کنیم.» او روند مذاکرات را ادامه داده است.

اسرائیل به تکاپو افتاد!

استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ در این مذاکرات هم سیگنال هایی متناقض درباره خواسته های آمریکا فرستاده است. در طول هفته گذشته، او از پذیرش برنامه ای محدود برای غنی سازی اورانیوم توسط ایران سخن گفت، اما سپس ادعا کرد که تهران باید به طور کامل برنامه هسته ای خود را برچیند. همچنین، مازکوروبو، وزیر امور خارجه آمریکا، روز جمعه مدعی شد هرگونه توافق باید تضمین کند که ایران هیچ گاه از از آستانه گریز هسته ای عبور نخواهد کرد. او در پاریس به خبرنگاران گفت: «توافق باید نه فقط اکنون بلکه در آینده نیز مانع از گریز هسته ای ایران شود.» تمامی این ادعاها، نگرانی اسرائیل از نتایج مذاکرات را تشدید کرده و این سؤال را برای این بازیگر مطرح ساخته که آیا امنیتش در معرض تهدید تازه ای قرار گرفته است یا نه. گفت وگوهای اخیر در رم برگزار شد و دیپلمات های عمانی -که هفته گذشته نیز میزبان دور نخست مذاکرات بودند- نقش میانجی را ایفا کردند. مایکل هرتزوف، دیپلمات اسرائیلی و سفیر پیشین این کشور در واشنگتن، هفته گذشته گفت: «سؤال این است که آمریکا دقیقاً چه چیز را مطالبه خواهد کرد؟ و دنبال چه مدلی از نتیجه رایزنی های دیپلماتیک است؟»

خط قرمزها

به ادعای این رسانه؛ در سوی دیگر، ایران هم در مسیر این گفت وگوهای دیپلماتیک، که طبق ضرب الاجلی دو ماهه از سوی ترامپ برنامه ریزی شده، اظهارات خود را مطرح است. رهبری ایران روز سه شنبه در پیامی در شبکه های اجتماعی نوشتند: «این مسیر باید بادقت طی شود. خطوط قرمز مشخص اند؛ هم برای طرف مقابل و هم برای ما.» ایشان تأکید داشتند که پیش از حد خوش بین نباید بود و نه بدبین، اما دور نخست گفت وگوها را مثبت ارزیابی کردند. ایران همچنان بر قانونی بودن برنامه هسته ای خود و اهداف صرفاً غیرنظامی آن، از جمله استفاده از برنامه هسته ای برای تولید انرژی و ابزارتوبی های پزشکی، تأکید دارد؛ و از توقف غنی سازی اورانیوم سر باز می زند؛ عصری که به ادعای ناظران بستر را برای عبور از آستانه گریز هسته ای هموار می سازد. روز چهارشنبه، رافائل گروسو، مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی، در تهران از مقامات ایرانی خواست که همکاری بیشتری نشان دهند. دانشمندان معتقدند ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به توانایی برای عبور از آستانه گریز هسته ای نزدیک است. پس از دیدار هفته گذشته عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، با ویتکاف، نماینده آمریکا پیشینهاد داد که ایران شاید بتواند تحت یک سازوکار راستی آزمایی، سطوح پایینی از اورانیوم را تولید کند؛ سازوکاری که برنامه موسکی ایران را هم شامل شود. اما تنها یک روز بعد، ویتکاف اعلام کرد که «ایران باید برنامه غنی سازی و تولید سلاح هسته ای خود را متوقف کند» تا توافق ممکن باشد. کارشناسان می گویند این چرخش موضع نشان دهنده بلا تکلیفی درون دولت ترامپ - و احتمالاً شخص رئیس جمهور - نسبت به امکان دستیابی به توافقی قابل قبول است. در همین راستا، الی گرانمایه، تحلیل گر ارشد سیاست خاورمیانه در شورای روابط خارجی اروپا، مدعی است: «به نظر می رسد ایرانی ها و آمریکایی ها هنوز در مرحله تعیین خطوط قرمز طرف مقابل هستند. از همین رو لازم است که آمریکا به زودی موضع نهایی خود را شفاف اعلام کند.» او همچنین گفت: «ایران هرگز برچیند کامل برنامه هسته ای یا غنی سازی صفر را نپذیرفته و اگر آمریکا به این سمت برود، به سوی تقابل نظامی ادعایی پیش می رویم. همین گزاره ادعایی ممکن است خواسته اسرائیل و متحدان آن در کنگره باشد. آن ها مایل اند روند گفت وگو میان ایران و آمریکا به بن بست برسد.» اسرائیل مدعی است اکنون روزه ادعایی محدود برای اقدام ادعایی علیه تأسیسات هسته ای ایران در اختیار دارد. با این همه، تقریباً همه طرح هایی که ترامپ از اسرائیل خواسته بود فعلاً کنار بگذارد، نیازمند مشارکت مستقیم آمریکا برای موفقیت عملیات و دفاع از اسرائیل در برابر تلافی ایران بود. چنین عملیاتی ممکن است فقط با یا ماهه طول بکشد و نتیجه ای قطعی هم در پی نداشته باشد.